

					
حَرَقَ	التَّجَنَّبَ	بَدَّؤُوا يَتَّهَمُوسُن	أَقِمِ وَجْهَكَ	الْأَصْنَام	أَحْضَرَ
سوزاند	دوری کردن ماضی: تهامس مضارع: يتهام س	شروع به بیج بیج کردند	روی بیاور (ماضیاقام/مضارع: یقیم)	بت ها «مفرد: الصنم»	حاضر کرد
					
عَلَّقَ	الضَّرَاعَ	الشَّعَائِرَ	السَّيْرَةَ	الأسدى	الحنيف
آویخت	کشمکش=النزاع	مراسم	روش و کردار، سرگذشت	بیهوده و بوج	یکتا پرست
					
النَّقُوشَ	لَا تَكُونَنَّ	كسَّرَ	الْكُتَيْفَ	الْقَرَابِينَ	الْفَاسَ
کنده کاری ها نگاره ها	هرگز نباش (ماضی: كان / مضارع: يكون)	شکست	شانه «جمع: الاکتاف»	قربانی ها «مفرد: القربان»	تبر «جمع: الفؤوس»

## الدين و تدین

اقم وجهك للدين حنيفاً ولا تكونن من المشركين

با یک تاپرستی به دین روی بیاور و هرگز از مشرکان نباش



التدين فطرى فى الانسان . والتاريخ يقول لنا: لاشعب من شعوب الارض الا و كان له دين و طريقه للعباده.

دین در انسان ذاتی است. و تاریخ به ما می گوید: هیچ ملتی از مردمان زمین نبوده مگر آن که (برای) او دینی و طریقه ای برای عبادتش بوده است.

ترجمه



فالاثر القديمة التي اكتشفها الانسان، والحضارات التي عرفها من خلال الكتابات والنقوش والرؤم والتمائيل؛

آثار باستانی که توسط انسان کشف شده است، و تمدن هایی که از خلال کتاب ها و نگاره ها و نقشه ها و مثل ها شناخته شده است؛

ترجمه



تؤكد اهتمام الانسان بالدين وندل على انه فطرى في وجوده؛ ولكن عباداته وسعائره كانت خرافية

تاکید بر توجه انسان به دین دارد و دلالت دارد بر آن که دین در وجود او ذاتی است اما عبادات و آیین او خرافات بود.

ترجمه



مثل تعدد الالهة وتقديم القرابين لها لكسب رضاها وتجنب شرها. وازدادت هذه الخرافات في اديان الناس على مر العصور.

مانند تعدد الهه ها و تقدیم قربانی برای آن ها (به منظور) کسب رضایت آن ها و دوری کردن از شر آن ها. این افسانه ها در ادیان مردم (ملتها) در طول سالیان افزایش یافته بود.

ترجمه



ولكن الله تبارك وتعالى لم يترك الناس على هذه الحالة؛ فقد قال في كتابه الكريم: واما خدای تبارک و بلند مرتبه مردم را در این وضع ترک نکرد پس او در کتاب کریمش گفت:

ترجمه

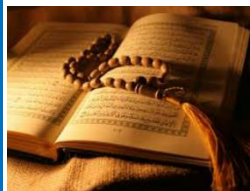


(ايحسب الانسان ان يترك سدى) القيامة: ٣٦

لذلك ارسل اليهم الانبياء ليبينوا الصراط المستقيم والدين الحق

ایا انسان گمان می کند بیهوده (بدون مسئولیت) رها می شود؟ پس (به سوی) آن ها پیامبران را برای نشان دادن راه مستقیم و آشکار کردن دین حق فرستاد.

ترجمه





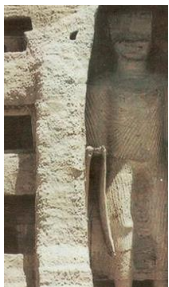
وَقَدْ حَدَّثَنَا الْقُرْآنُ الْكَرِيمُ عَنْ سِيرَةِ الْأَنْبِيَاءِ وَصِرَاعِهِمْ مَعَ أَقْوَامِهِمُ الْكَافِرِينَ.  
وقرآن به ما از شیوه (سیره زندگی) پیامبران و مبارزه آنها با کافران قومشان گفته است



وَلَنَذْكُرُ مَثَلًا إِبْرَاهِيمَ خَلِيلَ الَّذِي حَاوَلَ أَنْ يُنْقِذَ قَوْمَهُ مِنْ عِبَادَةِ الْأَصْنَامِ.  
به عنوان مثال ابراهیم خلیل را به یاد بیاورید، که سعی کرد مردم خود را از بت پرستی نجات دهد.



فَفِي أَحَدِ الْأَعْيَادِ لَمَّا خَرَجَ قَوْمُهُ مِنْ مَدِينَتِهِمْ بَقِيَ إِبْرَاهِيمُ وَحِيدًا، فَحَمَلَ فَاسًا  
وَكَسَرَ جَمِيعَ الْأَصْنَامِ فِي الْمَعْبَدِ إِنَّا الصَّنَمَ الْكَبِيرَ  
در یکی از اعیاد هنگامی که (مردم) قومش از شهرشان بیرون رفتند و ابراهیم  
تنها ماند، پس تبر را برداشت و تمام بت های معبد را به جز بت بزرگ شکست.



ثُمَّ عَلِقَ الْفَاسُ عَلَى كَتِفِهِ وَتَرَكَ الْمَعْبَدَ. وَلَمَّا رَجَعَ النَّاسُ شَاهَدُوا أَصْنَامَهُمْ مَكْسُورَةً، وَظَنُّوا  
أَنَّ إِبْرَاهِيمَ هُوَ الْفَاعِلُ، فَاحْضَرُوهُ لِلْمُحَاكَمَةِ وَسَأَلُوهُ:  
سپس تبر را بر کتفش (بت بزرگ) آویخت و معبد را ترک کرد. و هنگامی که مردم بازگشتند  
مشاهده کردند که تمام بت ها شکسته شده است. آن ها گمان کردند که ابراهیم  
فاعل (شکننده بت ها) بوده پس او را برای محاکمه احضار کردند و از او پرسیدند؟



أَأَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِأَلْهِنَا يَا إِبْرَاهِيمُ (الأنبياء: ٦٢) فَاجَابَهُمْ: لِمَ تَسْأَلُونَنِي؟ إِسْأَلُوا الصَّنَمَ  
الْكَبِيرَ  
آیا تو با معبودان ما چنین کرده ای؟ پس پاسخ آن ها را داد: چرا از من می پرسید؟  
از بت بزرگ پرسید.



بَدَأَ الْقَوْمُ يَتَهَامَسُونَ: «إِنَّ الصَّنَمَ لَا يَتَكَلَّمُ؛ إِنَّمَا يَقْصِدُ إِبْرَاهِيمُ الْأِسْتِهْزَاءَ بِأَصْنَامِنَا».  
مردم شروع به پیچ پیچ کردند: «همانا بت ها صحبت نمی کنند. ابراهیم  
می خواهد ما را به (وسیله) بت هایمان مسخره کند.»



وَهُنَا «قَالُوا حَرِّقُوهُ وَأَنْصُرُوا آلِهَتَكُمْ» (الأنبياء: ٦٨)  
فَقَذَلُوهُ فِي النَّارِ، فَأَنْقَذَهُ اللَّهُ مِنْهَا  
و این جا گفتند: او را بسوزانید و معبودانتان را یاری دهید. پس او را به آتش  
کشیدند و خداوند او (ابراهیم) را از آن (آتش) نجات داد



